

تأثیر معارف اسلامی و قصص قرآنی بر شعر فارسی

عباس زاهدی

شعر را مقصود اگر آدمگری است شاعری هم وارث پیغمبری است

اقبال لاهوری

فرهنگ اسلامی در شعر فارسی

قرآن کریم بنابر ظاهر آیات خود «بیانگر هر چیز و مایه هدایت و رحمت و بشارت برای مسلمانان» است: ﴿وَنَزَّلْنَا عَلَيْكَ الْكِتَابَ تِبْيَانًا لِّكُلِّ شَيْءٍ وَهُدًى وَرَحْمَةً وَبُشْرَىٰ لِلْمُسْلِمِينَ﴾ (سوره نحل، آیه ۸۹) با طلوع خورشید عالمتاب اسلام در سرزمین حجاز، فروغ آن به زودی قلب مردم دیگر کشورهای شرق دنیا را نیز روشن ساخت. در این میان، آماده بودن زمینه اجتماعی و سیاسی در ایران سبب گسترش روزافزون فرهنگ اسلامی و قرآنی در ایران شد. با دمیده شدن روح اسلام دوستی در ایرانیان، علم و فرهنگ ایرانی در سایه دین اسلام جانمایه‌ای دیگر یافت و با سرعتی روزافزون گسترش یافت. اندکی دیرتر، آثار این روح تازه در کالبد ادبیات فارسی سبب حیات دوباره و ترک دنیای تاریک خودمحوری شاعران ستایشگر و خارج شدن شعر و هنر از دسترس حاکمان خودپسندی بود که شعر و شاعر را در خدمت خود اجاره کرده بودند.

همین رهایی از مدیحه‌گویی و پناه آوردن به سرزمین آرامش بخش «حقیقت‌پرستی و خداجویی» کیمیای شعر فارسی گشت و آن را از دست و پا زدن در منجلا ب خواسته‌های بی پایان نفسانی و تمایلات دنیوی شاعران ستایشگر و امیران ستایش دوست به اقلیم روشن خداجویی و افق بی کران معنویت رهنمون شد و جهان جدیدی در برابر سراینده و مخاطب شعر گشود.

در زمینه مخاطب نیز دایر تنگ مخاطبان درباری از امیر و وزیر و اشراف و صاحبان زر و زور، به دایره‌ای گسترده از مخاطبان عام بدل شد. همین وسعت شمول مخاطب، سبب رویکرد شعر به نیازهای معنوی و روحی مشترک انسان و از جمله موضوعاتی چون تحصیل معرفت، حقیقت‌جویی، دین‌ورزی، صفای باطن، کرامت انسانی و ... گردید.

در نخستین دوره‌های حیات شعر فارسی، از داستان‌های قرآنی به عنوان ابزاری هنری برای مدح و مقایسه اخلاق و کردار ممدوح با رسولان الهی بهره گرفته می‌شد اما از سده ششم به بعد این طرز نگرش

متحول شده و با گسترش عرفان و ادبیات عرفانی این داستان‌ها در خدمت مفاهیم بلند عرفانی قرار گرفت و شعرای عارف با توسعه و تحول آن، از ماجراها و شخصیت‌های داستان رمز و تمثیل آفریدند و از داستان‌ها مفهوم عرفانی و اخلاقی استخراج کردند.

داستان پیامبران در شعر فارسی

تأثیر فرهنگ اسلامی و معارف قرآنی بر شعر فارسی تا به حدی است که کمتر شاعری است که در اشعار خود از زندگی و داستان‌های شگفت‌انگیز پیامبران بهره نگرفته و مضامین ظریف و دل‌انگیزی پدید نیاورده و کلام خود را با کنایه و رمز از زندگی این مردان الهی زینت نداده باشد.

تأثیرپذیری عاطفی شاعران ایران زمین از زیبایی‌های طبیعت و حس زیبایی‌شناسی و نیروی تخیل و نگرش عمیق آن‌ها به دنیای پیرامون سبب شده است که گذشته از مدح اغراق‌آمیز ممدوحان، از داستان پیامبران در توصیف طبیعت و احوال عاطفی خویش بهره‌های فراوانی گیرند و با استفاده از اشارات هنری و تلمیحات ادبی به این زمینه غنا و تنوع فوق‌العاده‌ای ببخشند:

از بهر دفع سحره فرعون جهل را کلکت عصای موسی عمران روزگار

انوری

کجا خیل بداندیشان چو مار و مور شد جوشان سنانت از ید بیضا نمود از چوب اژدرها
سلمان ساوجی

عمود صبح تو گفتمی که دست موسی روز

برای ضربت فرعون شب عصا برداشت

سراج‌الدین قمری آملی

اشاره به زندگی انبیاء و حوادث برجسته حیات آنان گاهی با

تأویل داستان‌ها همراه است. از قرن ششم هجری با تغییر محور

معنایی و ویژگی مفهومی و مخاطب، شعر فارسی با آداب و

اندیشه‌های عارفانه و ارزش‌های بلند حقیقت‌جویی و خداپرستی

آمیخته شد لذا ورود باورهای دینی و درونی عظیمی که ارمغان

آیین و فرهنگ اسلامی بود تحول عمیق و گسترده‌ای در شعر فارسی

پدید آورد.

سنایی غزنوی شاعر عارف سده ششم (وفات ۵۴۵ هـ)

نخستین شاعری است که مفاهیم عرفانی را از طریق شعر بیان کرده

است. او با استفاده از این داستانها تعالیم دینی فراوانی طرح نموده

است. در بیت زیر با بیانی تمثیلی به اهمیت و جایگاه «توبه»

پرداخته است :

نفس فرعون است و دین موسی و توبه چون عصا رخ به سوی جنگ فرعون لعین باید نهاد
عطار (۶۱۸-۵۴۰ هـ) نیز برداشت‌های عرفانی خود را معمولاً در قالب حکایاتی آورده است. در
نگاه او داستان‌های انبیاء روح و اصل قرآن است :

قصه گفتن نیست ریخ فی القفص می نبینی روح قرآن از قصص
در سده هفتم سعدی (۶۰۶-۶۹۰) با بهره‌گیری شاعرانه از داستان‌های قرآنی، مضامین بسیاری
پیرامون : عصای موسی، ید بیضا، شکافتن دریا، آتش طور، تجلی حق و... آفریده که بیانگر آگاهی فراوان
او از داستان‌ها و مضامین قرآن کریم است. سعدی بنا به شیوه تربیتی و حکایت‌پردازی خود، سعی
می‌کند از داستان‌ها نتایج اخلاقی و تربیتی استخراج کند :

نیکبختان بخورند و غم دنیا نخورند که نه بر عوج عنق ماند و نه بر عاد و ثمود
مولوی (۶۰۴-۶۷۲ هـ) شاعر و عارف صاحب‌نام جهان اسلام با استفاده از این قصص، نغزترین
تعبیرات و مفاهیم عرفانی را در مثنوی و غزلیات عرفانی خود بیان کرده است. در چشم او قرآن توصیف‌گر
احوال رسولان الهی است و هر که به حقیقت داستان‌های قرآن راه یابد مشتاق معرفت حق خواهد گشت :

هست قرآن حال‌های انبیاء ماهیان پاک بحر کبریاء
ور بخوانی و نه‌ای قرآن پذیر انبیاء و اولیاء را دیده گیر
ور پذیری چو برخوانی قصص رخ جانت تنگ آید در قفس

مولوی برداشت عرفانی از قصص قرآنی را به اوج رسانده است. این شاعر بزرگ در آثار ارجمند خود
به تناسب موضوع مورد بحث، برای بیان مفاهیم عرفانی، گریزی به داستان‌های انبیاء می‌زند و ابیاتی زیبا و
سرشار از محتوای عرفانی خلق می‌کند :

عالم چو کوه طور دان، ما هم‌چو موسی طالبان هر دم تجلی می‌رسد برمی‌شکافد کوه را
همچنین :

این درخت تن، عصای موسی است

که امرش آمد که بیندازش ز دست

و :

صد هزاران طفل کشت او بی‌گناه

تا بگردد حکم و تقدیر اله

اندرون خانه‌اش موسی معاف

وز برون می‌کشت طفلان گزاف



همچو صاحب نفس کاو تن پرورد بر دگرکس ظنّ حقدی می برد
 او چو موسی و تنش فرعون او او به بیرون می دود که کو عدو
 غزلیات فخرالدین عراقی (۶۸۸-۶۱۰) عارف سده هفتم سرشار است از مضامین و واژگان مربوط
 به «تجلی»:

جمال جانش ار بیند که و صحرا به رقص آید کمال وحدت ار یابد در و دیوار درجنبد
 در آن سروقت کان عاشق شود سرمست اگر ناگه نظر در کوه اندازد که و کھسار درجنبد
 در دیوان شاه نعمت الله ولی (۸۲۷-۷۳۰) عارف معروف قرن هشتم نیز همین موضوع جلوه فراوانی
 دارد:

سرّ تجلی چه بود آنکه به موسی نمود معنی آن نور تو، صورت موسی جبل
 حافظ شیرین سخن نیز از مجموع داستانمایه های حضرت موسی، به داستان های خدمت موسی به
 حضرت شعیب، آتش طور، موسی و فرعون، موسی و سامری، موسی و قارون و موسی و خضر توجه
 داشته است:

شبان وادی ایمن گهی رسد به مراد که چند سال به جان خدمت شعیب کند
 و:

در نیل غم فتاد سپهرش به طنز گفت: الآن قد ندمت و ما ینفع الندم
 ملا محسن فیض کاشانی شنیدن قصص انبیاء و سرگذشت فرمانروایانی را که در برابر حکم حق
 ایستادگی کردند مایه عبرت می داند:

عبرت بگیر ای دل از این دهر پُر غصص ز احوال انبیا و سلاطین شنو قصص
 از سده دوازدهم به بعد به دلیل تزلزل ادبیات عرفانی و روی آوردن به اشعار مدحی، توجه به روایات
 تاریخی و دینی نیز محدود شد.